

عدالت حق‌مدار و اهداف توسعه هزاره در چشم‌انداز سازمان تأمین اجتماعی

دکتر علی‌اصغر پورعزت^۱ و مصطفی نجاتی آجی‌بیشه^۲

چکیده

تأمین اجتماعی به نهادی ضروری در ساختار جامعه ایران تبدیل شده است؛ نهادی که فقدان آن، خلاء جبران‌ناپذیری در بافت سیستم اجتماعی ایجاد می‌کند. شکی نیست مراتب نهادینگی هر سازمان به شدت در معرض چالش‌های آینده داخلی و خارجی آن قرار دارد؛ بنابراین، بقای مؤثر سازمان تأمین اجتماعی نیز در گرو درک صحیح موقعیت و تطبیق مناسب با الزامات نظام داخلی و ضرورت‌های محیط خارجی خواهد بود.

در ایران، تعهد به الزامات عدالت حق‌مدار، مقوم حضور پایدار در عرصه نظام اجتماعی است و پای‌بندی به الزامات توسعه هزاره نیز برای تعامل مناسب و حتی پایداری در جهان آینده ضرورت دارد؛ از این رو تأکید مقاله بر آن است که اسناد راهبردی و الزامات اخلاقی سازمان تأمین اجتماعی باید به طور جدی معطوف به این دو مهم باشد.

کلید واژه‌ها: عدالت حق‌مدار، اهداف توسعه هزاره، چالش‌های جهان آینده، اسناد راهبردی، الزامات اخلاقی.

۱. استادیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت امور شهری دانشگاه تهران

مقدمه

از آنجا که شناسایی عزت ذاتی و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر اعضای خانواده بشری، پایه و اساس آزادی، عدالت، و صلح در جهان است^۱، هنگام طراحی هر سیستم خط‌مشی‌گذاری باید توجه داشت که جوهره مقاصد هر خط‌مشی در سازمان‌های اجتماعی، همواره باید معطوف به تحقق عدالت باشد^۲ و اگر بپذیریم که حیات و قوام هر جامعه، به مراتب استحکام پیوند عناصر شکل‌دهنده آن بستگی دارد، می‌توان گفت که عدالت عامل حیات و بقای جامعه است؛ زیرا عدالت است که مردم را در کنار یکدیگر منسجم می‌سازد؛ در حالی که بی‌عدالتی آنها را متفرق ساخته به اطراف می‌پراکند.^۳ قابل تأمل است که همین قوانین و خط‌مشی‌ها هستند که جهت‌گیری‌ها و مسیر پیشبرد و تحقق اهداف و مأموریت سازمان را ترسیم می‌کنند؛ بویژه در مورد قانون^۴، ادعای قابل توجهی وجود دارد که آن را ضرورتاً و ذاتاً مقید به هدف عدالت^۵ می‌داند. البته صرف‌نظر از هدف و مقصود خط‌مشی‌ها و قوانین، اگر هنگام تدوین آنها، مضیقه‌ها و محدودیت‌های اجرایی نادیده گرفته شوند و الزامات اجرا در نظر گرفته نشوند، احتمال اجرای موفقیت‌آمیز آنها کاهش می‌یابد.

ضمن اینکه با توجه به تعلق خاطر جامعه ایرانی به تحقق عدالت اجتماعی^۶ و وجود قشر عظیم مردمی که با درآمد متوسط و پایین‌تر امرار معاش می‌کنند، پذیرفتنی است که جامعه امروز ایران همچنان مشتاق بهره‌مندی از مظاهر عدالت اجتماعی است و به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه دین و مذهب در میان مردم، مفهوم عدالت حق‌مدار در اولویت تحقق قرار دارد؛ بویژه با تأمل بر اینکه عامه مردم ایران، عدل و حق را با نام علی (علیه السلام) تداعی می‌کنند و نام علی (علیه السلام) نیز یادآور عدل و حق در میان آنان است.

1. *Universal Declaration of Human Rights*, United Nations Department of Public Information.

۲. براساس آنچه آتیاه تأکید می‌کند، ذات قوانین اجتماعی همواره باید مقید به تحقق عدالت فرض شود.

Atiyah, P. S., *Law & Modern Society*, Oxford University Press, 1995.

3. Folger, Robert and Russell Cropanzano, *Organizational Justice and Human Resource Management*, Sage Publication, Inc, 1998.

4. law

5. the aim of justice

۶. براساس آنچه آتیاه تأکید می‌کند، ذات قوانین اجتماعی همواره باید مقید به تحقق عدالت فرض شود.

Atiyah, P. S., *Law & Modern Society*, Oxford University Press, 1995.

۷. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، ویرایش اول پائیز ۱۳۸۰،

تهران، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی و نگرش‌ها، بویژه صص ۶۶ و ۷۱ و ۱۰۵ - ۱۳۸، ۱۳۸۱.

۱. عدالت حق‌مدار

عدالت حق‌مدار بر دیدگاهی دلالت دارد که عدل و حق را مترادف انگاشته، تعریف عدل در جامعه انسانی را مستلزم نگاهی فرازمانی به حقوق اولین و آخرین انسانها می‌داند. از این رو مفهوم عدالت را براساس پایدارترین رابطه انسانی، یعنی رابطه اولی و ازلی خالق و مخلوق تعریف کرده، برابری و آزادی ابدی انسان را ناشی از اراده ابدی خدای متعال می‌داند. بنابراین توحید اصل زیربنایی عدالت حق‌مدار است که بر پایه آن برابری و آزادی انسانها تعریف می‌شود و ضرورت برابری حق و تکلیف و حق انسان برای کمال‌گرایی بر اساس همین برابری و آزادی مد نظر قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب پنج اصل زیربنایی نظریه عدالت حق‌مدار به شرح ذیل تعریف می‌شوند:^۱
اصل ۱. جهان فقط یک خالق (و پروردگار) دارد که مالکیت مطلق هستی از آن اوست.
اصل ۲. همه انسانها مخلوق خداوند یکتایند و از این حیث شأن مساوی و برابر دارند.
اصل ۳. انسان آزاد و مختار آفریده شده است و هیچ انسانی مجاز نیست این آزادی را از دیگری سلب نماید.

اصل ۴. در برابر هر حقی که برای انسان ایجاد می‌شود، تکلیفی متناسب با آن حق، بر عهده او خواهد بود.

اصل ۵. انسان مختار ممکن است میل به کمال یا قهقرا داشته باشد؛ شرایط اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از طریق ابلاغ حق و روشن ساختن راه، سیر فرد را به سوی کمال تسهیل نمایند؛ ولی هیچ کس حق ندارد او را مجبور سازد یا به اکراه به کاری وادار کند.
بر این اساس نوزده قضیه مدنظر قرار می‌گیرد که عبارتند از:^۲

قضیه ۱. وجود حکومت برای تضمین شرایط اجتماعی مناسب ضرورت دارد؛ حکومتی که محدود به قانون باشد و امکان اجرای آن را فراهم آورد.

۱. منابع اصلی مورد استفاده عبارتند از: قرآن کریم (با شماره‌گذاری آیات طبق رسم الخط عثمان طه)؛ نهج‌البلاغه (ترجمه عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج‌البلاغه)؛ و مبانی استدلال عقلانی.
برای مطالعه بیشتر و آشنایی با نحوه استفاده از روش تحلیل منطقی در طراحی این نظام استدلالی پورعزت، علی اصغر، «طراحی سیستم خط مشی‌گذار دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی بر مبنای مدل حکومت حق‌مدار علوی در نهج‌البلاغه». رساله دکتری مدیریت سیاستگذاری عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۲. همان.

قضیه ۲. منابع ملی چون امانتی در اختیار حکومت قرار می‌گیرند و حکومت موظف است آنها را به گونه‌ای مصرف نماید که حقوق حقه مردم رعایت شود؛ به منافع نسل‌های بعدی آسیب نرسد؛ و آثار مثبت (باقیات صالحات) گذشتگان از بین نرود.

قضیه ۳. همه انسان‌ها حق دارند از امنیت، رفاه، و آگاهی برخوردار باشند؛ پس ثروت‌ها و منابع مالی موجود در اختیار حکومت، ابتدا باید برای امنیت‌گستری، فقرزدایی و آگاه‌سازی جامعه (به مثابه وظایف اولیه حکومت) اختصاص یابند و مازاد آنها با بصیرت نسبت به آینده، در جهت حفظ مصالح جامعه، مصرف یا سرمایه‌گذاری شود.

قید ۳-۱. به طوری که عوامل فقر ریشه‌کن شوند.

قید ۳-۲. به طوری که احساس ناامنی از میان برود.

قید ۳-۳. به طوری که امکان آموزش برای همگان فراهم آید.

قضیه ۴. تفاوت در سطوح قدرت و مکنت، طبقه اجتماعی، نژاد و نظایر آن به هیچ وجه نمی‌تواند دستمایه برتری‌جویی عده‌ای بر عده دیگر باشد و حقوق برابر افراد جامعه را خدشه‌دار سازد.

نمودار شماره ۱. نظام منطقی زیربنایی عدالت حق‌مدار^۱

<p>۵. اصل تسهیل کمال‌گرایی: انسان مختار ممکن است میل به کمال یا فقہرا داشته باشد؛ شرایط اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که از طریق ابلاغ حق و روشن ساختن راه، سیر فرد را به سوی کمال تسهیل نمایند؛ ولی هیچ کس حق ندارد دیگری را مجبور سازد یا به اکراه به کاری وادار کند.</p>	<p>۴. اصل تناسب حق و تکلیف: در برابر هر حقی که برای انسان ایجاد می‌شود، تکلیفی متناسب با آن حق، برعهده او خواهد بود.</p>
<p>۳. اصل آزادی و اختیار: انسان آزاد و مختار آفریده شده است و هیچ انسانی مجاز نیست این آزادی را از دیگری سلب نماید.</p>	<p>۲. اصل برابری و مساوات: همه انسان‌ها مخلوق خداوند یکتایند و از این حیث، شأن مساوی و برابر دارند.</p>
<p>۱. اصل توحید: جهان فقط یک خالق دارد که مالکیت مطلق هستی از آن اوست.</p>	

۱. همان.

قید ۴-۱. هیچ‌کس حق ندارد از نمادهای ملی و مذهبی سوءاستفاده نماید و خود را برتر از دیگران معرفی کند.

قضیه ۵. حکومت موظف است بر رعایت عدالت در مراودات اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی) نظارت نماید تا تراکم فشارهای ناشی از زندگی اجتماعی، حق انتخاب آزاد (اختیار) شهروندان را مخدوش نسازد.

توضیح ۵-۱. انسان آزاد آفریده شده است و حق دارد تا آزاد بماند؛ ولی ادراک حقیقی آزادی، مستلزم برخورداری از حداقل رفاه، امنیت و آگاهی است؛ پس سیاستگذاری حکومت باید به گونه‌ای باشد که حداقل نیاز همه آحاد جامعه برطرف شود.

قضیه ۶. حکومت موظف است تجارت را تسهیل، احترام به مالکیت مشروع افراد را تضمین، و معاش قضات، سپاهیان، فرهنگیان، و سایر کارگزاران حکومت را تأمین نماید.

قضیه ۷. رأی مردم در انتخاب حاکم موضوعیت دارد؛ زیرا بدون حمایت مردم (زن و مرد) حکومت تحقق نمی‌یابد.

قضیه ۸. هیچ‌کس حق ندارد مستبدانه بر مردم حکومت کند.

قید ۸-۱. انسان مختار است در مدیریت امور جامعه خود مشارکت نماید.

قید ۸-۲. مشارکت افراد در اداره امور جامعه، باید آگاهانه باشد.

قضیه ۹. حکومت منتخب و نماینده مردم است و باید پاسخگویی آنها باشد.

توضیح ۹-۱. مردم حق دارند بر اعمال حکومت نظارت داشته باشند.

قضیه ۱۰. محدوده مجاز دخالت حکومت در مسایل اجتماعی، متناسب با میزان مسئولیتی که جامعه در هر مقطع از زمان از آن مطالبه می‌کند، قابل تعدیل است.

قید ۱۰-۱. حکومت باید از قدرت کافی برای انجام وظایف اولیه خود برخوردار باشد.

قضیه ۱۱. حکومت موظف است بر وضع مالی کارگزاران عالی رتبه خود نظارت نماید و مانع سوءاستفاده از منصب‌های حکومتی شود.

قضیه ۱۲. حکومت موظف است اصل را بر اعتماد به شهروندان قرار دهد و سیستم‌های اخذ مالیات و بازتوزیع منابع ملی را به گونه‌ای هدایت کند که حتی‌المقدور منافع کل جامعه تأمین گردد.

قید ۱۲-۱. باید تلاش شود تا سهمی که جامعه در ایجاد ثروت‌های خصوصی افراد داشته است محاسبه و اعاده شود تا زمینه تحقق عدالت اقتصادی فراهم آید.

قضیه ۱۳. هزینه ساخت و نگهداری آن دسته از تأسیسات، تجهیزات، و تسهیلات اجتماعی که تحت تملک گروه ویژه‌ای از شهروندان است (و سایر افراد، حتی در صورت نیاز، نمی‌توانند از آنها استفاده کنند) به عهده خود آنان است و از طریق اخذ عوارض ویژه تأمین می‌شود.

قید ۱-۱۳. در مواردی که برخی از اعضای جامعه (نظیر افراد مبتلا به بیماری‌های خاص)، نیازهای ویژه‌ای داشته باشند، ولی از استطاعت مالی برای تأمین آن نیازها برخوردار نباشند، باید تأمین هزینه‌های مذکور در ترکیب برنامه‌های حکومت قرار گیرد.

قضیه ۱۴. حکومت موظف است شرایط توسعه توانمندی‌های جامعه را به گونه‌ای تأمین نماید که حتی‌المقدور به هیچ یک از آحاد جامعه آسیب نرسد.

قید ۱-۱۴. در صورتی که در مواردی به فردی از آحاد جامعه آسیب برسد باید در اسرع وقت جبران گردد.

قضیه ۱۵. منصب‌های حکومتی باید صرفاً برحسب شایستگی افراد به آنها اختصاص یابند تا سیر استعلایی جامعه بشری مخدوش نگردد.

قضیه ۱۶. حکومت موظف است رعایت رفتارهای صحیح اخلاقی را تسهیل نماید و از گمراه‌سازی مردم و ترویج رفتارهای ضداخلاق جلوگیری کند؛ به گونه‌ای که ترویج یا ارتکاب منکرات، موجب سلب اختیار سایر افراد نشود و شرایط انتخاب آزاد آنها را مخدوش نسازد.

قید ۱-۱۶. رفتارهای بازدارنده حکومتی باید مبتنی بر علم اخلاق و مبانی عقلانی رفتار اجتماعی باشند.

قضیه ۱۷. حکومت موظف است زمینه مناسب را برای آموزش، تعلیم، آگاه‌سازی، و شکوفایی استعدادهای مردم فراهم سازد.

قید ۱-۱۷. در صورت نیاز، حکومت باید خود به ایجاد نهادهای اجتماعی مناسب برای توسعه فرهنگی جامعه همت گمارد.

قضیه ۱۸. حکومت موظف است شرایطی را فراهم سازد که مردم همواره به حقوق خویش واقف گردند تا بتوانند آگاهانه به مطالبه حقوق خود پرداخته، روحیه ظلم‌ستیزی و عدالتخواهی در میان آنان ترویج شود.

توضیح ۱-۱۸. روحیه عدالتخواهی و حق‌طلبی، ضامن پایداری نظام عدل است.

قضیه ۱۹. حکومت موظف است به‌طور مستمر، قوانین و خط‌مشی‌های موضوعه خود را از حیث محتوی، روش اجرا، و اثربخشی در جامعه هدف، بررسی نموده و اقدام مناسب را برای اصلاح آنها مبذول نماید تا در سیری یادگیرنده، به قوانین و خط‌مشی‌های حق‌مدار نزدیک‌تر شوند.

بدین ترتیب یک سیستم خط‌مشی‌گزارای عمومی پویا و انعطاف‌پذیر شکل می‌گیرد که می‌توان با التزام به اجرای آن، به تحقق عدالت حق‌مدار امیدوار بود.

۲. سازمان تأمین اجتماعی و عدالت اجتماعی

قانون اساسی جمهوری اسلامی، از دیدگاه‌های متنوع و در موارد متعدد بر ضرورت رعایت عدالت، نفی ستم‌گری و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، و تحقق قسط و عدل، و استقلال در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، و ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت تأکید کرده است^۱؛ در متن این قانون، ده‌ها بار از مجموعه واژه‌های عادل (اصول پنجم، صدو پنجاه‌هشتم و صدو شصت‌ودوم)، قسط و عدل (اصول دوم و چهاردهم)، عادلانه (اصل سوم)، حق (اصول بیست‌ونهم و سی‌ویکم)، شرایط مساوی (اصل بیست‌وهشتم)، ریشه‌کن ساختن فقر و محرومیت (اصل چهل‌وسوم)، عدالت (اصل صدو پنجاه‌وششم)، و نظایر آن استفاده شده است. از سویی دیگر، جامعه ایرانی در افق چشم‌انداز بیست ساله نظام جمهوری اسلامی ایران توسعه‌یافته و متکی به اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، با تأکید بر عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسانها، و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی خواهد بود. همچنین برخوردار از سلامت و رفاه، و به دور از فقر، فساد و تبعیض، و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب.^۲

در حالی که علی‌رغم این همه تأکید بر ضرورت دادگستری و تحقق عدالت اجتماعی و زدودن آثار فقر و محرومیت، هنوز جلوه‌های فقر و تنگدستی گسترده، در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی کشور مشاهده می‌شود؛ به طوری که حتی گزارش‌های رسمی مرکز آمار ایران، از فزونی مستمر سطح متوسط هزینه‌های خالص بر سطح متوسط درآمدهای خالص خانوارهای شهری و روستایی کشور حکایت دارند.^۳ تأمل بر این واقعیت که تفاوت قابل توجهی میان سطوح متفاوت درآمدی خانوارهای کشور وجود دارد، تصور واقع بینانه‌تری از وخامت وضعیت اقتصادی - فرهنگی طبقات پایین اجتماعی نمایان می‌سازد. با این مقدمه، اهمیت سازمان تأمین اجتماعی و کارکرد آن در تحقق اهداف کلان نظام اجتماعی ایران بیشتر در کانون توجه قرار می‌گیرد.

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۲. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، نظام جمهوری اسلامی ایران.

۳. مرکز آمار ایران، «خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور»، شماره ۱۸، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، (برای مثال، نک به: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، صص ۸۸ و ۹۲)، ۱۳۷۸.

این سازمان تضمین حداقل معیشت اعضای وابسته به خود را هدف قرار داده و امید است با فراگیری پوشش آحاد جامعه و پیوستن عامه مردم به آن، حداقل‌های زندگی شرافتمندانه برای همه مردم فراهم آید.

تحقق عدالت حق‌مدار مستلزم تأمین حداقل معیشت عامه است به گونه‌ای که کلیه آحاد جامعه از امنیت کامل، رفاه نسبی و آگاهی کافی برای مشارکت اجتماعی برخوردار گردند. اهداف توسعه هزاره نیز در امتداد تأکید اعلامیه حقوق بشر و منشور سازمان ملل متحد، بر کاهش جدی فقر در جهان آینده تأکید دارد.

به نظر می‌رسد که توسعه عقلانیت در هم‌اندیشی انسان‌ها، فاصله حق‌گرایی و علم‌گرایی را کاهش داده، به تدریج اصول عدالت حق‌مدار (بر مبنای آموزه‌های دینی)، در منشور اخلاقی و قانونی سازمان‌های بین‌المللی (دستاورد علوم انسانی) انعکاس بیشتری می‌یابند.

اقدام در سیستم‌های اجتماعی مستلزم توجه به نکات و الزامات خاصی است؛ زیرا این‌گونه سیستم‌ها از افراد و گروه‌های متعددی تشکیل می‌شوند که به طور نسبتاً مختار در جهت تأمین منافع خود در عرصه‌های پیچیده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی حیات اجتماعی اقدام می‌کنند. هم‌نوا ساختن این گروه‌ها مستلزم استفاده مدبرانه از راهبرد ویژه‌ای است؛ راهبردی که گروه‌های متنوع اجتماعی را آگاهانه به خدمت بگیرد و آنها را در چارچوب قوانین و الزامات هدایت نماید.^۱

در رویکرد بصیرت‌بخش به استراتژی تصویرپردازی از آینده و با اتکاء به جوهر حقیقت و عقلانیت منطقی، می‌توان تصویری از آینده را پیش روی جهانیان قرار داد که رهنمای تحقق شهر عدل باشد^۲؛ تصویری از آینده موعود، مستند به شواهد قرآنی و روایی و در امتداد چشم‌اندازی که سیره‌های سلیمانی، نبوی، و علوی به جامعه عدل مهدوی معطوف می‌سازند.^۳

در پرتو اهداف توسعه هزاره سازمان ملل نیز می‌توان جهانی بدون فقر را تصور کرد. همچنین فقر را در جهان طی ۸ سال آینده به نصف کاهش داد و ده‌ها میلیون نفر را از مرگ

۱. پورعزت، علی‌اصغر، «تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی». سخن سمت، شماره ۱۰، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. تابستان ۱۳۸۲.

۲. پورعزت، علی‌اصغر، «تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده موعود: استراتژی فوق‌فعال انتظار شهر عدل در ایران»، *کمال مدیریت (ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران)*، شماره‌های ۹۰۸، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴.

۳. پورعزت، علی‌اصغر، «تصویرپردازی از شهر عدل موعود (بر اساس مطالعه تطبیقی سنت محمدی، حکومت علوی، و سیرت مهدوی)». *گفت‌وگوهای مهدویت (بیانیه‌ها و مقاله‌های گفت‌وگو)*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۵.

نجات داد. بدین منظور چهارچوب سیاسی (اهداف توسعه هزاره) شکل گرفته است که نتیجه آن کمک به برقراری عدالت در جهان و حقوق برابر زندگی برای همگان است.^۱

اگر هدف نهایی یک خط‌مشی فراگیر یا یک اصل قانون اساسی، اجرای عدالت از طریق فقرزدایی باشد، باید قوانینی در چهارچوب آن وضع شوند که اجرای آن را تسهیل نمایند.^۲

در واقع همان‌گونه که رسالت هر سیستم اجتماعی از طریق اهداف، راهبردها، خط‌مشی‌ها، رویه‌ها و قواعد، برنامه‌ها، و بودجه‌بندی‌ها تحقق می‌یابد،^۳ تحقق اهداف قانون اساسی به مثابه یک خط‌مشی فراگیر نیز مستلزم اجرای سلسله مراتبی از خط‌مشی‌های جزئی‌تر است که بر مبنای اصول قانون اساسی تنظیم شوند و نحوه اجرای آن را تشریح نمایند. در واقع سیستم جامع قانونگذاری باید از این قابلیت برخوردار باشد که اهداف و مفاد اصول قانون اساسی را در قالب برنامه‌ها، خط‌مشی‌ها، آیین‌نامه‌ها، و دستورالعمل‌های اجرایی مورد استفاده در سطوح عملیاتی سیستم اداری کشور تعریف نماید. این عمل ممکن است بدون توجه به امکانات کافی، و فقط بر حسب امکانات موجود انجام پذیرد. ضمن اینکه می‌توان مجموعه‌ای از قوانین، برنامه‌ها و خط‌مشی‌های مورد نیاز برای اجرای قانون اساسی را تدوین کرد تا در صورت فراهم شدن امکانات و منابع، به تدریج به اجرا گذارده شوند.

۳. سازمان تأمین اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی، نهادی معتبر است که در جهت تحقق اهداف اجتماعی عدالت‌گرایانه در جامعه ایران شکل گرفته است.

براساس قانون، سازمان تأمین اجتماعی یک سازمان عمومی غیردولتی است که بخش عمده منابع مالی آن از محل حق‌بیمه‌ها (با مشارکت بیمه‌شده و کارفرما) تأمین می‌شود و متکی به منابع دولتی نیست. به همین دلیل، دارایی‌ها و سرمایه‌های آن متعلق به اقشار تحت پوشش در نسل‌های متوالی است و نمی‌تواند قابل ادغام با هیچ یک از سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا غیردولتی باشد. تکیه‌گاه اصلی این سازمان مشارکت سه‌جانبه کارفرمایان، بیمه‌شدگان و دولت در عرصه‌های مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری‌های کلان و تأمین منابع مالی است.

1. J.D. Sachs, "A Practical Plan to Achieve the MDGs", *UN Chronicle*, No. 2, 2005.

۲. الوانی، سید مهدی و علی‌اصغر پورعزت، «طراحی سیستم هوشمند قانونگذاری برای تحقق عدالت اجتماعی».

پیام مدیریت، شماره اول، سال اول، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.

3. Koontz, Harold and o'donnell, "Cyril and weihrich", *Essentials of Management*, forth edition, Mc Graw-Hill, Heinz 1986.

اصول و مبانی بیمه‌گری این سازمان به نحوی تنظیم شده که بین اهداف اصلی آن با اهداف کلان نظام اقتصادی کشور همسویی کامل وجود دارد. از یک سو رونق فعالیت‌های تولیدی و صنعتی موجب افزایش جمعیت تحت پوشش بیمه و تقویت منابع مالی این سازمان می‌شود و از سوی دیگر پوشش بیمه‌ای کارگران به افزایش اطمینان خاطر، ایجاد امنیت روحی و سلامت جسمی و در نهایت به ارتقای بهره‌وری نیروی کار منجر می‌گردد. همچنین همه عواملی که فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی نیز اثرگذارند. از جمله این عوامل می‌توان به بحران بیکاری، افزایش نرخ سالمندی، بی‌ثباتی در فعالیت‌های اقتصادی، افزایش حوادث و سوانح در کشور، و رشد روزافزون هزینه‌های درمان اشاره کرد.

تعهدات این سازمان برابر استانداردهای تعیین شده به وسیله سازمان بین‌المللی کار و سازمان بین‌المللی تأمین اجتماعی تنظیم شده و بالاترین حد این استانداردها را در بر می‌گیرد. چگونگی تحقق این تعهدات و ارائه خدمات به وسیله این سازمان را قانون معین کرده است. یادآوری می‌شود که نگرش و رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران به موضوع تأمین اجتماعی که برگرفته از نوع نگاه دین مبین اسلام به این مقوله است، در اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، تعریف و تبیین شده است. در این اصل چنین آمده است:

«برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، حوادث و سوانح، و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی، به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند.»

تأمین اجتماعی از یک سو فرصتی برای تأمین حقوق انسانی در جامعه بشری تلقی می‌شود که با توسعه پایدار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هر کشور رابطه‌ای مستقیم دارد و از سوی دیگر از آنجا که ابعاد بیمه‌ای یا حمایتی آن در حوزه بازتوزیعی بخش عمومی قرار دارد، اهتمام بدان گام بسیار مهمی در تحقق عدالت و امنیت پایدار اجتماعی قلمداد می‌شود.^۱

۱. «بررسی پیشینه تاریخی فعالیتهای تأمین اجتماعی روستاییان در ایران»، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۲۱، سال ۷، تابستان ۸۴، ص ۵۸۵.

مهمترین تعهدات و خدمات سازمان تأمین اجتماعی بر مبنای قانون تأمین اجتماعی و مقررات مربوط به آن، به شرح زیر است:

- حمایت در برابر حوادث، بیماری‌ها و بارداری؛
- اعطای مستمری بازنشستگی؛
- اعطای مستمری ازکارافتادگی؛
- اعطای مستمری بازماندگان؛
- اعطای مقرری بیمه بیکاری؛
- اعطای غرامت دستمزد ایام بیماری؛
- اعطای غرامت دستمزد ایام بارداری؛
- پرداخت هزینه وسایل کمک پزشکی؛
- کمک هزینه ازدواج؛
- کمک هزینه کفن و دفن.

تأمین اجتماعی طی پنجاه سال گذشته نگرش نیروی کار جامعه به اشتغال، حمایت‌های اجتماعی، و اعتماد به جامعه و آینده‌نگری را متحول ساخته است. ارائه خدمات متنوع درمائی، بازنشستگی، و ازکارافتادگی سبب شده است که بخش عمده جامعه ایران به سرنوشت مشترکی در دریافت خدمات اجتماعی و مطالبات خود از سازمان تأمین اجتماعی بیندیشد و این امر موجب بروز خیر جمعی در جامعه و تحقق نسبی به هم پیوستگی اجتماعی برای جامعه ایران شده است.^۱

۴. اهداف توسعه هزاره

از جمله رسالت‌های اصلی سازمان ملل متحد، حفظ امنیت و صلح جهانی، و تحقق همکاری‌های بین‌المللی برای حل مشکلات اقتصادی، فرهنگی، یا انسانی و گسترش احترام به حقوق بشر و آزادی‌های پایه‌ای برای همگان بدون هرگونه تمایز به لحاظ نژاد، جنسیت، زبان، یا دین است. در چارچوب این رسالت، در سپتامبر سال ۲۰۰۰ میلادی، در نشست هزاره

۱. شریف‌زادگان، محمدحسین. «پنجاه سال تأمین اجتماعی در ایران». *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره ۱۵، سال

۵، زمستان ۸۲، ص ۵.

سازمان ملل، رهبران و حاکمان جهان با مجموعه‌ای از اهداف قابل اندازه‌گیری و محدود به لحاظ زمانی موافقت کردند تا با فقر، گرسنگی، بیماری‌ها، بیسوادی، نابودی محیط زیست، تبعیض بر علیه زنان مبارزه نمایند. این اهداف که در قالب ۸ هدف بیان شده‌اند، اهداف توسعه هزاره سازمان ملل نامیده می‌شوند.^۱

این اهداف عبارتند از: ۱. ریشه‌کنی گرسنگی و فقر مطلق؛ ۲. محقق ساختن امکان تحصیلات ابتدایی برای همگان؛ ۳. تقویت برابری جنسیتها و توانمندسازی زنان؛ ۴. کاهش مرگ‌ومیر کودکان؛ ۵. بهبود سلامت مادران؛ ۶. مبارزه با ایدز، مالاریا، و سایر امراض؛ ۷. تضمین پایداری و محافظت محیط زیست؛ ۸. توسعه مشارکتی جهانی برای توسعه.

۴-۱. سازمان تأمین اجتماعی و اهداف توسعه هزاره

۴-۱-۱. وجوه اشتراک و تمایز

با تأمل بر اهداف توسعه هزاره و مأموریت و اهداف سازمان تأمین اجتماعی، مراتب همنوایی و همگرایی این دو واضح می‌گردد. هرچند که انسان به کمک فطرت و خرد خدادادی، در طول تاریخ به بسیاری از حقیقت‌ها پی برده و پیشرفت‌های علمی خود را بر پایه ملاحظات عقلانی مقوم نظام‌های اجتماعی استوار ساخته است. بشر در طول تاریخ دریافته است که گسترش فقر در جامعه منجر به افزایش کژکارکردی‌های اجتماعی، از قبیل دزدی، بزه‌کاری، جرم، جنایت، تکدی‌گری و بیماری شده، آسیب آن به همه افراد جامعه می‌رسد. بنابراین طی دو قرن اخیر انسان‌ها برای رفع نیاز طبقات کم‌درآمد جامعه به فکر چاره افتاده است. شکل‌گیری اهداف توسعه هزاره، تلاشی برای رفع ناملایمت‌های اجتماعی و تأمین رفاه عمومی برای مردم است. طور مشابهی اهداف سازمان تأمین اجتماعی، یکی از دستاوردهای تجربی بشر است که با قصد کمک به توسعه اجتماعی انسانها ساماندهی شده است. در واقع تأمین اجتماعی حاصل تکامل تدریجی اندیشه بشر در طول تاریخ است که با آگاهی از حقوق خود تجلی عینی‌تر و آفاقی‌تری یافته است.

با این حال باید اعتراف کرد که گستره و دامنه اهداف توسعه هزاره، بیشتر از اهداف سازمان تأمین اجتماعی بوده، مسائل و زمینه‌های متنوع‌تری را در بر می‌گیرد.

1. *The Millennium Development Goals and the United Nations Role*, Fact Sheet, United Nations Department of Public Information, 2002.

۲-۱-۴. الزامات و الگوبرداری‌ها

با توجه به چشم‌انداز مشترک الزامات عدالت حق‌مدار، اهداف توسعه هزاره، و مأموریت تأمین اجتماعی، ضرورت توجه مستمر سیاستگذاران تأمین اجتماعی به این دو منبع الهام‌بخش عدالت در جامعه بشری مورد تأکید قرار می‌گیرد و نکته مهم این است که اهداف و مأموریت‌های سازمان باید به گونه‌ای تعریف شوند که قابل شاخص‌گذاری و ارزیابی باشند. نکته‌ای که در اهداف توسعه هزاره نیز رعایت گردیده است؛ زیرا در صورتی می‌توان از روند پیشرفت و تحقق یک طرح یا هدف، آگاه بود که بتوان آن را اندازه‌گیری کرد. محدود بودن اهداف توسعه به لحاظ زمانی و قرار دادن الزام برای محقق‌سازی آنها طی دوره‌ای خاص از دیگر نکات قابل توجه تدوین‌کنندگان رسالت و خط‌مشی‌های سازمان تأمین اجتماعی است. از این رو اهتمام جدی به برنامه‌ریزی و تدوین برنامه‌های راهبردی برای دستیابی به مأموریت سازمان، و داشتن برنامه جامع ارزیابی و مدیریت عملکرد برای هر سازمانی و به ویژه برای سازمان تأمین اجتماعی جزء ضروریات اولیه است.

قابل تأمل است که فقر پدیده‌ای نوظهور نیست و نباید انتظار داشت که به سرعت مظاهر خود را از چهره بشری بزدايد. مبارزه با فقر باید طی برنامه‌ای پیچیده و انعطاف‌پذیر ساماندهی شود؛ برنامه‌ای که متناسب با نیازهای هر عصر، طرح و سناریوی ویژه‌ای در بر داشته باشد.^۱

منابع و مأخذ

منابع فارسی

۱. الوانی، سید مهدی و علی اصغر پورعزت، «طراحی سیستم هوشمند قانونگذاری برای تحقق عدالت اجتماعی». پیام مدیریت، شماره اول، سال اول، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۰.
۲. «بررسی پیشینه تاریخی فعالیتهای تأمین اجتماعی روستاییان در ایران»، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۲۱، سال ۷، تابستان ۸۴، صص ۵۸۵.
۳. پورعزت، علی اصغر، «تصویرپردازی از آینده، استراتژی اقدام در سیستم‌های اجتماعی». سخن سمت، شماره ۱۰، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها. تابستان ۱۳۸۲.

۱. پورعزت، علی اصغر، «تأکید بر راهبرد توسعه دانش محور برای منطقه آزاد ارس، با تأمل بر نقش چین و اروپا در اقتصاد منطقه»، سمینار بازشناسی فرصتهای سرمایه‌گذاری در ارس، سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس.

۴. پورعزت، علی‌اصغر، «تصویرپردازی بصیرت‌بخش از آینده موعود: استراتژی فوق‌فعال انتظار شهر عدل در ایران». *کمال مدیریت (ویژه‌نامه مدیریت دولتی و چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران)*، شماره‌های ۸ و ۹، دانشکده مدیریت و حسابداری دانشگاه شهید بهشتی، زمستان ۱۳۸۳ و بهار ۱۳۸۴.
۵. پورعزت، علی‌اصغر، «تصویرپردازی از شهر عدل موعود (بر اساس مطالعه تطبیقی سنت محمدی، حکومت علوی، و سیرت مهدوی)». *گفتمان مهدویت (بیانیه‌ها و مقاله‌های گفتمان ششم)*، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب، مؤسسه فرهنگی انتظار نور، ۱۳۸۵.
۶. پورعزت، علی‌اصغر، «تأکید بر راهبرد توسعه دانش محور برای منطقه آزاد ارس، با تأمل بر نقش چین و اروپا در اقتصاد منطقه»، *سمینار بازشناسی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در ارس*، سازمان منطقه آزاد تجاری-صنعتی ارس.
۷. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله نظام جمهوری اسلامی ایران.
۸. شریف‌زادگان، محمدحسین، «پنجاه سال تأمین اجتماعی در ایران». *فصلنامه تأمین اجتماعی*، شماره ۱۵، سال ۵، زمستان ۸۲، ص ۵.
۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. مرکز آمار ایران «خلاصه آمارهای پایه‌ای کشور»، شماره ۱۸، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور. (برای مثال، رک: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸، صص ۸۸ و ۹۲)، ۱۳۷۸.
۱۱. قرآن کریم، با شماره‌گذاری آیات طبق رسم الخط عثمان طه.
۱۲. نهج‌البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و بنیاد نهج‌البلاغه.
۱۳. پورعزت، علی‌اصغر، «طراحی سیستم خط مشی‌گذار دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی بر مبنای مدل حکومت حق‌مدار علوی در نهج‌البلاغه»، رساله دکتری *مدیریت سیاست‌گذاری عمومی*، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۲.
۱۴. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی، *ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*، ویرایش اول پائیز ۱۳۸۰، تهران، دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی و نگرش‌ها. بویژه صص ۶۶ و ۷۱ و ۱۰۵ - ۱۳۸، ۱۳۸۱.

منابع انگلیسی

1. Atiyah, P. S., *Law & Modern Society*, Oxford University Press, 1995.
2. *Universal Declaration of Human Rights*, United Nations Department of Public Information.
3. Folger, Robert and Russell Cropanzano. *Organizational Justice and Human Resource Management*, Sage Publication, Inc, 1998.
4. J.D. Sachs, "A Practical Plan to Achieve the MDGs", *UN Chronicle*, No. 2, 2005.
5. Koontz, Harold and o'donnell, "Cyril and wehrich", *Essentials of Management*, forth edition, Mc Graw-Hill, Heinz 1986.
6. *The Millennium Development Goals and the United Nations Role*, Fact Sheet, United Nations Department of Public Information, 2002.